

کیمهان

«سیره در زبان عربی از ماده سیر است. سیر به معنای رفتن و رفتار است، ولی سیره یعنی نوع و سبک رفتار»^[۱]
وقتی سخن از سیره امام علی – ع – می‌شود یعنی نوع سبک و متد رفتار آن حضرت رفتاری که همواره در طول زندگی آن حضرت مراعات شده و به صورت «سیره» درآمده است. اصول حاکم بر زندگی امام علی(ع) در همه ابعاد و زمینه‌ها مبتنی بر قرآن و سنت پیامبر اکرم(ص) بوده است. در زمینه اجتماعی و برخورد با جامعه نیز آن حضرت روابط خویش را بر اساس دستورات الهی و نبوی قرار داده بود؛ به اختصار نمایی مختصر از سیره اجتماعی حضرت بنام می‌شود:

۱. **احترام به حقوق و کرامت انسان ها**
حضرت علی – ع – در برخوردو با مردم و جوامع انسانی دیدگاهی فراتر از دید یک مسلمان به مسلماتی دیگر داشت. در دیدگاه او مردم از نظر اجتماعی به دو دسته تقسیم می‌شدند: «دسته‌ای از آنها برادر دینی‌اند و دسته‌ای دیگر در آفرینش با مسلمانان یکسانند.»^[۱]

حضرت علی(ع) فردی یهودی را که در مسیر کوفه همسفر ایشان شده بود و سپس مسیرش عوض شد چند قدم بدرقه کرد و وقتی آن یهودی علت این کار را از حضرت پرسید، امام(ع) فرمود: می‌خواهم قدری تو را همراهی کنم تا حق رفاقت را به جا آورده باشم، زیرا پیامبر ما دستور داده است: «هر گاه دو نفر در راهی همسفر شدند به گردن یکدیگر حق می‌یابند و لازم است شخص، رفیق راهش را هنگام جدایی چند گام بدرقه کند.»این حرکت امام سبب شد آن فرد یهودی مسلمان شود.

بر اساس همین اصل بود که آن حضرت فردی یهودی را که در مسیر کوفه همسفر ایشان شده بود و سپس مسیرش عوض شد را چند قدم بدرقه کردند و وقتی آن یهودی علت این کار را از حضرت پرسید، امام(ع) فرمود: می‌خواهم قدری تو را همراهی کنم تا حق رفاقت را به جا آورده باشم، زیرا پیامبر ما دستور داده است: «هر گاه دو نفر در راهی همسفر شدند به گردن یکدیگر حق می‌یابند و لازم است شخص، رفیق راهش را هنگام جدایی چند گام بدرقه کند.»

آخرت به **عنوان جهانی دیگر در برابر جهان دنیا**، که **شامل جهان برزخ و قیامت می‌شود**، در حوزه هستی شناختی اسلامی قرآنی از جایگاه و نقش کلیدی برخوردار است:

زیرا اگر حتی ایمان به توحید پذیرفته شود و باور به خالق بودن خداوند در انسان وجود داشته باشد نمی‌تواند به اندازه باور به آخرت نقش داشته باشد.

در نوشتار حاضر نقش ایمان به آخرت در زندگی بشر مورد بررسی قرار گرفته و از طرف دیگر عواقب بی‌ایمانی و کفر به آخرت بیان شده است.

آثار آخرت‌طلبی

خداوند در آیه ۷۷ سوره قصص از جمله آثاری که برای پذیرش اندیشه آخرت در زندگی دنیوی انسان بیان می‌کند، تقویت روحیه احسان و نیکوکاری است؛ زیرا اندیشه آخرت به معنای آن است که هر عملی همان گونه که آثاری از خود در دنیا به جای می‌گذارد، آثار قوی‌تر و روشن‌تر در آخرت به جا خواهد گذاشت. از این رو برای ایجاد ذخیره آخرت و بهره‌مندی نعمت‌های آخرتی می‌کوشد تا به هر شکلی شده رضایت پروردگار خویش را به دست آورده و عنایت و توجه خداوندی را به سوی خود جلب و جذب کند او به احسان و نیکوکاری به عنوان یکی از ابزارهای جلب رضایت الهی توجه می‌کند.

کمک به دیگران و خدمت خلق خدا، بویژه مومنان از آن رو انجام می‌شود که شخص خشنودی خداوند را در آن می‌بیند.
شخص پیش از آنکه آثار نیکوکاری خویش را در آخرت ببیند، آثار و کارکردهای آن را در دنیا نیز می‌بیند، زیرا نیکوکار چون تنها در اندیشه‌ش جلب خشنودی خداوند است و بی‌هیچ منتی به نیکوکاری اقدام می‌کند، نیکی شنونده احسان سبکی و پستی نمی‌کند و احسان شخص را امری پسندیده می‌یابد. اینگونه احسان موجب می‌شود تا شخص حتی اگر از اهل ایمان نباشد نسبت به نیکوکار احسان نزدیکی و قرابت نماید و به سوی اخلاق نیک وی کشیده شود و مهر و محبت نیکوکار در دلش جای بگیرد. در بحث‌هایی که درباره کارکرد و نقش احسان و نیکوکاری درجامعه

این حرکت امام سبب شد آن فرد یهودی مسلمان شود.^[۱]
۲. **مروت و مدارا با دوست و دشمن**
در زندگی امیرالمؤمنین نمونه‌های زیادی از مروت و مدارا می‌توان مشاهده کرد. یکی از این موارد مدارای حضرت با عایشه است. حضرت بعد از پیروزی بر اصحاب برادرش محمد بن ابی بکر به مدینه فرستاد.^[۱]
همین رفتار حضرت سبب شد که عایشه همواره از کرده این مرد بودم.^[۱]

می‌شد گذشت می‌کرد، اما در امور دینی و اجرای احکام الهی مدارا و سستی نشان نمی‌داد.

شهید مطهری می‌نویسند: «اسلام در مسائل اجتماعی نمی‌گذرد، چون این گذشت، مربوط به شخص نیست، مربوط به اجتماع است. مثلاً یک کسی زدی کرده است، مجازات دزد، دست بردن است. صاحب مال نمی‌تواند بگوید من گذشتم…»^[۱]

۴. **عدالت اجتماعی**

در قاسوس زندگی آن حضرت کلمه ای زیباتر از عدل و عدالت نیست؛ رعایت عدالت سرلوحه برنامه‌های امام بود؛ حضرت، عدالت اجتماعی را بویژه در برنامه حکومت، محور قرار داده بود؛ در راستای استقرار عدالت با ناکثین و قاسطین و مارقین جنگ کرد و سرانجام جان خویش را نیز در همین راه از دست داده به عنوان نمونه حقوق همه را پس از رسیدن به حکومت که در دوره خلفای پیشین با تبعیض بین عرب وعجم و… تقسیم می‌شد؛ علی‌لسویه تقسیم کرد؛ جرج جرداق مسیحی می‌نویسد: «قتل علی در محراب عبادت به سبب شدت عدالت او بود»^[۱]

۵. **برابری اجتماعی**

پس از رحلت رسول اکرم(ص) بار دیگر اشرافیت جاهلی تجدید حیات کرد و مساوات سیره نبوی از بین رفت تا اینکه حضرت علی(ع) زمام امور را به دست گرفت و بار دیگر سیره مساوات و برابری اسلامی را زنده کرد. امام اعلام کرد که در همه امور به سیره رسول خلاص عمل خواهد کرد. آن حضرت می‌فرمود: «هن شما را به راه و روش پیامبرتان خواهم برد و به آنچه فرمان داده شدام عمل خواهم کرد. موضع من ساخته‌اند، علی(ع) آنها را تعقیب کرد و در نهران زندگی پس از رحلت رسول چون موضع من در دوران زندگی اوست»^[۱]–

برابری طبقاتی، برابری حقوقی و برابری در برابر قانون و قضا نیز از موارد برابری اجتماعی

معارف Maarefkayhan@Kayhan.ir

چهارم آنکه اگر موضوعی مهم و پنهانی را با او در میان گذاشتی، همچون خود تو سواز آن آگاه باشد.»^[۱]

کوتاه سخن آنکه حضرت علی – ع – در تمامی امور تابع رسول خدا(ص) بود و سیره آن حضرت را مو به مو اجرا می‌کرد. در امور اجتماعی نیز به این امر توجه داشت. توجه به اصول اجتماعی از جمله مدارا با دوست و دشمن، عدالت اجتماعی، مشورت و… همواره در سیره آن حضرت مورد توجه قرار گرفته است.

۶. **مشورت در امور اجتماعی**
استبداد و عدم مشاوره موجب نابودی و هلاکت

سیره اجتماعی امیرالمومنین علی(ع)

حکومت‌ها و شخصیت‌ها را فراهم می‌کند. حضرت علی(ع) می‌فرماید: هر کس استبداد رای ورزد، نابود خواهد شد.^[۱]
و در جای دیگر می‌فرماید: مشورت کن تا از لغزش‌های و پشیمانی‌ها در امان باشی.^[۱]

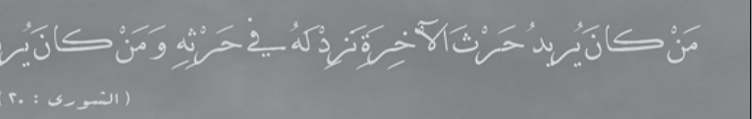
نصر بن مزاحم می‌نویسد: چون علی – ع – آهنگ شام کرد، مهاجران و انصار را فرا خواند و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: «بی گمان شما کسانی هستند که نظراتان محترم، جُزئان ارجمند، سخن‌تان حق و کردار و رفتارتان نیکو است. اکنون آهنگ آن داریم که به سوی دشمن ما و شما رهسپار شویم. پس رأی خویش را در این باره بیان کنید.»^[۱]

آن حضرت نت تنها به مشاوره و تبادل نظر با دیگران فرسان داده و عمل کرده بلکه ویژگی‌ها و افراد مورد مشاوره را نیز بیان داشته است. در حدیثی حضرت می‌فرماید: «طرف مشورت تو اول باید عاقل باشسد، دوم آنکه آزاد مرد متدین باشد و سوم آنکه دوستی دلسوز به شمار آید و

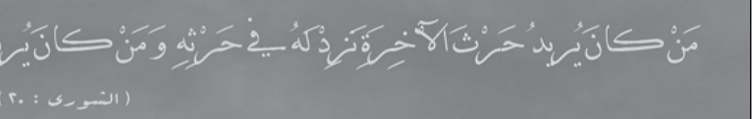
آیات بیان و گزارش شده است تنها به عنوان نمونه ذکر است.

البته ناگفته نماند که قرآن هرچند که مردمان را به آخرت تشویق می‌کند (بقره آیات ۲۰۰ و ۲۰۲ و اعراف آیه ۱۶۹ و انفال آیه ۶۷) و حقیقت آخرت نسبت به دنیا را بسیار برتر از دنیا می‌شمارد (ضحی آیه ۴ و آل‌عمران آیه ۱۴۸ و نساء آیه ۷۴ و انفال آیه ۶۷) و در آیه ۳۲ سوره انعام و آیه ۶۴ عنکبوت و آیه ۲۰ سوره حدید حقیقت ماهیت دنیا را نسبت به اصالت آخرت همانند لهو و لعب می‌شمارد، ولی در عین حال بر این نکته تأکید می‌کند که دنیا مزرعه آخرت است و آدمی در دنیاست که می‌تواند خود را به کمال برساند و از نعمت‌های آخرتی بهره‌مند گرداند. (قصص آیه ۷۷ و اسراء آیه ۷۲) و بر این اساس از مردمان می‌خواهد

من کان یرید حرث الآخرة فیرکب الی خرته ومن کان یرید حرث الدنیا فیرکب الی آخرة من تصیب



من کان یرید حرث الآخرة فیرکب الی خرته ومن کان یرید حرث الدنیا فیرکب الی آخرة من تصیب



کسه که زراعت آخرت را بخواهد، به کشت او برکت و افزایش مردهیم و بر محصولش مرفزیم و کسه که فقط کشت دنیا را بطلبد، از آن به او مردهیم؛ اما در آخرت هیچ بهره‌ای نخواهد داشت



سرگشتگی اهل دنیا در دنیا امری طبیعی است که آیات پیش گفته بدان اشاره دارد. لذا خداوند در آیاتی که پیش از این گفته شد، ایمان به آخرت را عاملی مهم در هدفمندی زندگی انسان می‌شمارد و مردمان را به آن دعوت می‌کند تا در زندگی دنیوی نیز رفتاری هدفمند در پیش گیرند و از سرگشتگی و بیهودگی و بوجی رهایی یابند.

کفر به آخرت موجب می‌شود تا انسان رفتارهای انحرافی را در پیش گیرد. افراد سست ایمان و کافر در زندگی خویش کزوری را اصل می‌شمارند، و به عنوان حواش‌شکنان عمل می‌کنند.

آیات ۴۴ و ۴۵ سوره اعراف و نیز ۱۸ و ۱۹ سوره هود به خوبی نشان می‌دهد که ستمگری و ظلم، برخاسته از اندیشه کفر به آخرت است.

اعمال ناپسند و ایجاد صفات و خلق و خوی زشت (نحل آیه ۶۰) نفرت از خدا و ذکر خدا (زمر آیه ۴۵) هدایت‌ناپذیری و مخالف با حق (نحل آیه ۱۰۷) و اهل حق و دعوت‌کنندگان به آن (مؤمنون آیه ۳۳) و سد راه مومنان و کارهای خوب ایشان شدند (اعراف آیه ۴۵ و هود آیه ۱۹) از جمله آثاری است که خداوند برای اهل کفر به آخرت می‌شمارد.

رفتارهای اجتماعی سست‌ایمان‌ها نسبت به آخرت که خوبی بیائگر آن است که آنان انسان‌های نامتعادل از نظر شخصیتی و نیز رفتار هستند. اگر کسی بخواهد ایمان به آخرت کسی را بشناسد باید به رفتارهای شخص توجه کند زیرا هر بینش و نگرشی در رفتارهای اجتماعی و خلق و خوی وی ظاهر می‌شود.

کسانی که ایمان درستی به آخرت ندارند و سست‌ایمان هستند که در رفتارهای خویش آن را به اشکال مختلف پیش گفته نشان می‌دهند؛ چنانکه مومنان نیز با خلق و خوی زیبا و پسندیده و رفتارهای نیک و احسان و نیکوکاری به خوبی باورهای خویش را بروز و ظهور می‌دهند.

چراغ راه



نقش برنامهریزی در افزایش یا کاهش سرمایه
قال الامام علی(ع): «حسن التدبیر ینمی قلیل المال، و سوء التدبیر یغنی کثیره».

امام علی(ع) فرمود: برنامهریزی درست اقتصادی، مال اندک را افزایش می‌دهد، و برنامهریزی نادرست مال فراوان را نابود می‌کند.^(۱)

۱- غررالحکم، ص ۱۶۷

حکایت خوبان

چرا انصاف ندارید

و شکر نعمت‌های الهی را به‌جا نمی‌آورید؟!

پیامبر گرامی(ص) می‌فرماید: خدای متعال به انسان می‌فرماید: ای فرزند آدم! چرا انصاف نمی‌دهی؟ من به وسیله نعمت‌هایم محبوب تو می‌شوم ولی تو به وسیله گناهانت، در نزد من مغضوب می‌شوی! خیر و رحمت من به سسوی تو نازل می‌گردد، ولی شرر تو به سوی من بالا می‌آید و پیوسته فرشتگان، اعمال زشت تو را به من گزارش می‌دهند. ای فرزند آدم! اگر اوصاف خودت را از فرد دیگری بشنوی، در حالی که ندانی شخص مورد نظر خودت می‌باشی، بی‌گمان نسبت به چنین فردی خشمگین خواهی شد!^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۵۲

پرسش و پاسخ

نفی شناسن و بخت و اقبال در نظام هستی

پرسش:
آیا در نظام عالم هستی پدیده‌ای به نام شناسن و بخت و اقبال وجود دارد که بر پرتو آن سرنوشت فردی و اجتماعی انسانها رقم بخورد؟
پاسخ:

نظام احسن در عالم هستی

یکی از مباحثی که در جهان‌بینی عرفانی مطرح است، مسئله‌ای است که فلاسفه آن را به عنوان مسئله «نظام احسن» عنوان می‌کنند. معنای نظام احسن این نیست که در مقابل این نظام، نظام دیگری وجود دارد، این احسن است یا آن؟ معنایش این است از آنچه که در حد امکان است، آیا این نظام نیکوترین نظام ممکن است، یا اینکه نظامی احسن از این نظام هم ممکن است و به وجود آید؟ البته فلاسفه با ادله قاطع بیان می‌کنند که نظامی احسن و اکمل از این نظام موجود ممکن نیست، و محال است در واقع هر چه را که انسان احسن فرض می‌کند یک خیال بیش نیست و یک فرض امر محال است. بنابراین نظامی احسن و ابداع از این نظام موجود در عالم هستی امکان ندارد و وقوع آن هم محال است.

علت و معلول، جوهره اصلی نظام خلقت

جوهره اصلی در نظام احسن عالم هستی، روابط علت و معلول و علل و اسباب میان اجزای این نظام احسن است. وابستگی و پیوند میان اجزای این عالم هستستی و نظام خلقت براساس علت و معلول و علل و اسباب می‌باشد، به گونه‌ای که خالق هستی هیچ فعلی را خارج از چهارچوب نظام علی و معلولی و علل و اسباب انجام نمی‌دهد. امام صادق(ع) می‌فرماید: خداوند اما دارد از اینکه امور خلقت و هستی را خارج از مجرای علت و معلول و علل و اسباب جاری کند (مجمع‌البحرین، ماده سبب) (کافی، ج ۱، ص ۱۸۳)

بنابراین در عالم هستی و نظام خلقت، هیچ پدیده‌ای بدون حساب و کتاب نیست و هر چیزی به مقتضای حکمت، علم و عدالت در جایگاه خودش به بروز و ظهور می‌رسد و هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که شناسن و بخت و اقبال بیشتر یا کمتری نسبت به دیگری دارد زیرا چنین پدیده‌هایی خارج از چهارچوب نظام علت و معلول و مقتضیات علل و اسباب آن امری واهی، توهم و پوچ است و چنین چیزی در نظام عالم خلقت و نظام احسن هیچ واقعیتی و جایگاهی ندارد.

تعارض شناسن، بخت و اقبال با علت و دین

متأسفانه اعتقاد به شناسن و بخت و اقبال در میان برخی از مردم شیوع دارد، و بدیهی است که اگر بشر اندکی واقع‌بین باشد و روابط علی و معلولی حوادث و قضایای عالم را درک کندو اگر اندکی در مسائل جهان هستی، علمی فکر کند، و عقل و اندیشه خود را به کمک بخواهد می‌فهمد که مسئله شناسن و بخت و اقبال، یک خیال و یک توهم شیطناتی بیش نیست، که نه عقل انسان شناسن و بخت را به رسمیت می‌شناسد و نه آموزه‌های وحیانی دین. خدای متعال احدی را خوشبخت با لذات و بدبخت با لذات ناپایفیده، و گلیم بخت هر کسی نه آن چنان سفید بافته شده است که قابل سیه شدن نباشسد، و نه آن چنان سیاه بافته شده است که قابل سفید شدن نباشد. بنابراین گلیم بخت هر کسی، همان صفحه روح و آیینته قلب خود او است. این صفحه، هم قابل سفید شدن و سفیل یافتن است و هم قابل سیاه شدن و تکرر یافتن علم و معرفت، ایمان و تقوا، مداومت بر عمل صالح، این صفحه را سفید،صیقلی و نورانی می‌کند، از طرفی جهل، خرافات، تعصبات کور و فسق و فجور، آن را سیاه و تاریک می‌سازد. بنابراین قرآن کریم سرنوشت انسانها را در گرو سعی و تلاش و مجاهدت آنها در این دنیا می‌داند! «لیس للانسان الا ما سعی» برای انسان چیزی جز تلاش و کوشش او نیست (التجم- ۳۹) و یا در بعد اجتماعی می‌فرماید: خداوند سرنوشت هیچ جامعه و قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه افراد آن جامعه نفوس خود را تغییر دهند. (الرعد- ۱۱)

سلوک عارفانه

لطف و عنایت خدا بعد از یاری دین او

در جلسه خصوصی، ایشان (امام راحل) به من گفت: فلائی این ما نیستیم (که این نهضت را ایجاد کرده‌ایم) من دست خدا را حس می‌کنم. آدمی که دست خدا و عنایت خدا را حس می‌کند و در راه خدا قدم برداشته، مصداق اصل قرآنی است: «ن ترواالله ینصرکم» (محمد- ۷) تسوا اول یک قدم به طرف خدا بردار، خدا به تو عنایت می‌کند. آیه دیگر «انهم فقیه امنوا برهمم و زدهانهم هدی»و «ربطنا علی قلوبهم از قاموا» راجع به اصحاب کهف می‌گوید: جوانمردانی بودند به پروردگارشان ایمان آوردند، اعتماد و تکیه کردند، خدا هم بر بینش آنها افزود. آنها برای خدا قیام کردند، ما هم دل آنها را محکم کردیم، این را من در این مرد می‌بینم. بعد از آن قیام کرده و خدای متعال یک قلب قوی به این مرد (امام راحل) داده که اصلا تزلزل، ترس و بیم در این دل راه ندارد.^(۱)

۱- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۴، ص ۱۲۳.

صفحه معارف روزهای: شنبه، یک‌شنبه
سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۰۲۳۹۴۱۹۹۱ – ۰۲۳۲۰۲۲۲۱
Maarefkayhan@Kayhan.ir